

چهارپایان اهلی در قرآن و یاسین

صدیقه ملک لو*

چکیده

حیوانات از جمله شگفتی های جهان آفرینش هستند که خداوند متعال انسان ها را به تأمل در آفرینش و استفاده از منافی که در آن ها قرار داده، فرا می خواند. بهره برداری از انعام در آیات قرآن کریم را می توان به دو نوع: ۱. مادی که عبارتند از: استفاده از پوست، کرک، پشم و مو در تهیه البسه، اثاث منزل و خیمه؛ شیر و گوشت برای تغذیه؛ فضولات برای بارور کردن گیاهان و زمین؛ قدرت بدنی حیوانات برای سواری، شخم و آب کشی و... ۲. معنوی که عبارتند از: خدا شناسی، امکان و اثبات معاد، استفاده در سوگندهای قرآنی، تشبیهات و ضرب المثل ها، آزمایش انبیاء و مردم و توصیف احوال قیامت تقسیم بندی نمود. در سوره و آیات متعددی از قرآن، به طور پراکنده به این منافع اشاره شده در حالی که در سوره «یس» که قلب قرآن نام دارد، به کلیه منافع مادی، یکجا اشاره شده است. انسان ها با رعایت اصول بهره وری می توانند از این نعمت برای رفاه و آسایش دنیوی و سعادت اخروی بهره برده و از وجود آن ها پی به قدرت خدا ببرند و سپاسگزار نعمات بیکران او شوند.

*. کارشناس علوم قرآن و حدیث دانشگاه تربیت مدرس

انسان شریف‌ترین موجودی است که خداوند در عالم خلق کرده و پس از آفرینش، تمام هستی را برای او و در خدمت او قرار داد تا با بهره‌گیری از این نعمت‌ها مسیر تکامل و سعادت را در زندگی طی کند. از جمله این نعمت‌ها، حیواناتی هستند که در اطراف ما زندگی می‌کنند که به شکل‌های مختلف از آن‌ها بهره‌می‌بریم به طوری که زندگی ما با آن‌ها عجین شده است؛ اگر این موجودات از صفحه زندگی انسان حذف شوند به راستی کار برای انسان مشکل و پیچیده خواهد شد. حضور دائمی چارپایان در زندگی انسان باعث شده تا کمتر مورد توجه قرار بگیرند در حالی که این حیوانات از نشانه‌های خلقت خدا هستند که با دقت در آفرینش آن‌ها به خدا می‌رسیم. زندگی حیوانات و منافع که خداوند در آن‌ها برای استفاده انسان قرار داده، مایه عبرت و درس آموزی ماست، زیرا به ما می‌فهماند که هیچ چیزی بیهوده آفریده نشده و نباید به سادگی از کنار آن‌ها گذشت، باید خدا را به خاطر نعمت‌های بی‌شماری که به ما عطا کرده سپاسگزار باشیم و در عمل از حیوانات که همیشه تسبیح خدا را می‌گویند، کمتر نباشیم.

بهره‌وری نخستین و مهم‌ترین موضوعی است که بشر از آغاز زندگی اش در زمین و در برخورد با طبیعت، صرف نظر از جاندار یا بی‌جان بودن آن، با آن رو به رو بوده است. این موضوع در اندیشه انسان و به دنبال آن در رفتارش از چنان جایگاهی برخوردار است که قرآن کریم نیز آن را در سطوح کلان و خرد پذیرفته است. قرآن ابتدا در بیانی کلی مسأله بهره‌وری انسان از طبیعت را این چنین مطرح می‌سازد: «هُوَ الَّذِي خَلَقَ لَكُمْ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا» (البقرة، ۲/۲۹)، سپس با خرد کردن آن به نسبت میان انسان و چارپایان اشاره کرده و می‌فرماید: «وَالْأَنْعَامَ خَلَقَهَا لَكُمْ» (النحل، ۱۶/۵)^۱. هرچند این دو اصل بر آفرینش هدفمند هستی و موجودات آن برای انسان دلالت دارند، اما برای تبیین رابطه میان انسان و حیوان، با چند مسأله مهم و اساسی رو به رو هستیم:

۱. آفرینش موجودات برای انسان: فهم آفرینش موجودات برای انسان مبتنی بر این است که روشن شود واژه «لکم» در آیه «خَلَقَ لَكُمْ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا» (البقرة، ۲/۲۹)، به

چه معنا به کار رفته است؛ در مفهوم شناسی واژه «لکم» که در منابع مختلف اسلامی مورد بحث قرار گرفته دو احتمال مطرح شده است:

اول: بهره‌وری - انتفاع - منظور از آفرینش سایر موجودات به ویژه حیوانات برای انسان سود بردن انسان از آن‌هاست.

دوم: پندگیری: آفرینش سایر موجودات برای انسان به مفهوم عبرت گرفتن انسان از آن‌هاست تا از رهگذر آن، به شناخت بیشتر و بالاتری از خداوند دست یابد.^۲

نسبت این دو احتمال نسبت میان عام و خاص است، زیرا بهره‌وری مفهومی است عام که دو حوزه دینی و دنیوی را در بر می‌گیرد، پس می‌توان چنین نتیجه گرفت که منظور خداوند از آفرینش موجودات و به خصوص حیوانات برای انسان، بهره‌وری و استفاده انسان که البته در خلال آن پند گرفتن نیز تحقق پیدا خواهد کرد.^۳

۲. حیواناتی که از آن بهره‌وری می‌شود: با توجه به استفاده از دو کلمه «ما» و «جمیعاً» در آیه «خَلَقَ لَكُمْ مَّا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا» (البقرة، ۲۹/۲)، چنین فهمیده می‌شود که انسان مجاز است از تمامی آنچه در زمین است استفاده کند، چرا که از نظر قرآن تمامی آنچه در آسمان و زمین است فرمانبردار و در اختیار - مسخر - انسان قرار داده شده‌اند، بنابراین حق بهره‌وری انسان به نوع یا گونه‌ای خاص از موجودات محدود نمی‌شود.^۴

۳. نوع بهره‌وری از حیوانات: در منابع اسلامی دو نظریه در تعیین دامنه بهره‌وری انسان از موجودات وجود دارد:

اول: عدم محدودیت: برخی بر این باورند که نتیجه پذیرش آفرینش موجودات برای انسان، جواز بهره‌وری نامحدود انسان از آن‌هاست «اصل اباحه»، زیرا سود جستن خاص از برخی موجودات امری است که عقل انسان نیز بدون نیاز به این حکم شرعی، توانایی درک آن را دارد. در نتیجه انسان به حکم عقل و دین، حق دارد هرگونه که می‌خواهد از موجودات بی‌جان و جاندار طبیعت استفاده کند، مگر آن که دلیلی خاص بر عدم جواز نوعی خاص از بهره‌وری بیابیم.^۵

دوم: محدودیت: گروهی نیز معتقدند آفرینش موجودات برای انسان، تنها حکایت از وجود نوعی رابطه تکوینی میان انسان و سایر موجودات دارد که بر اساس آن، هدف از

آفرینش موجودات سود جستن انسان از آن‌هاست، بدون آن که تعیین کند از نظر حقوقی یا اخلاقی چه نوع بهره‌وری جایز و رواست. پس نمی‌توان ادعا کرد که انسان حق دارد هرگونه که بخواهد از موجودات استفاده کند، بلکه می‌باید برای جواز بهره‌وری از هر موجود و چگونگی آن در پی دلیلی خاص باشیم.^۶

۴. اصول بهره‌وری: بهره‌وری انسان از حیوانات بر دو اصل اساسی استوار است: اول: هماهنگی با ساختار وجودی: شکل و نوع بدن هر حیوانی بسته به محیطی که در آن زندگی می‌کند. به منظور تأمین هدفی خاص طراحی شده است، بنابراین انسان باید بهره‌وری از حیوانات را با آن هدف هماهنگ سازد.^۷

این نکته اساسی را می‌توان در عبارت «ظلم‌گریزی و عدالت محوری» خلاصه کرد، زیرا منظور از عدل، قرار دادن هرچیز در جای خود اوست و ظلم، قرار ندادن هرچیز در جای خود، در نتیجه اگر استفاده انسان از حیوانات متناسب با هدف از خلقت آن‌ها باشد کاری رواست، چرا که عدل است و بر عکس، اگر این بهره‌وری متناسب با آن هدف نباشد از آن جهت که ظلم است، در حقوق اسلامی عملی ناشایست و نامشروع به حساب می‌آید.^۸

رعایت بهره‌وری و هماهنگی آن با ساختار وجودی حیوانات را به خوبی می‌توان از این سخن پیامبر گرامی اسلام (ص) به دست آورد: «ایاکم أن تتخذوا ظهور دوابکم منابر؛ مبادا پشت حیوانات را محلی برای گفتگو قرار دهید؛ زیرا که خداوند بلند مرتبه آن‌ها را تحت فرمان در آورده تا بتوانید به شهرهایی که جز به سختی نمی‌توانید به آن‌ها دست پیدا کنید، برسید»^۹. بنابراین نه می‌توان به بهانه اجتناب از آزار و اذیت حیوانات، با روی آوردن به گیاه خواری، از گوشت آن‌ها استفاده نکرد، در حالی که امام صادق (ع) می‌فرماید: «سیدالادام فی الدنيا و الآخرة اللحم؛ گوشت سید طعام‌ها در دنیا و آخرت است»^{۱۰}. زیرا در این صورت هدف از آفرینش آن‌ها، تحقق نپذیرفته، آفرینش آن‌ها لغو و بیهوده خواهد بود و نه می‌توان به بهانه وجود رابطه مالکی میان انسان و حیوان به آن‌گونه که برخی مدعی‌اند، خارج از ساختار وجودی حیوانات از آن‌ها استفاده کرد، زیرا نهایت چیزی که مالکیت اثبات می‌کند، داشتن حق بهره‌وری است اما نسبت به چگونگی و نوع

آن هیچ دلالتی ندارد. ۱۱

دوم: هماهنگی با حرمت الهی: از دیدگاه اسلام، حیوانات نیز مانند انسان‌ها روحی غیر مادی دارند که به واسطه آن از نوعی هم‌زیستی همیشگی با انسان برخوردار هستند. هم‌زیستی که از دنیا آغاز شده و تا روز رستاخیز ادامه دارد. پذیرش بعدی غیر مادی و ملکوتی برای حیوانات در نظام معرفتی اسلام به دنبال خود، ارزش و جایگاهی را برای آنها ایجاد می‌کند که از آن به «حرمت روح» یا «حق الهی» یاد می‌شود. جایگاهی که بدون تردید در چگونگی بهره‌وری انسان از حیوانات مؤثر است. ۱۲

انعام در آیات قرآن کریم

انعام، جمع اسم جنس نعم از ریشه «ن ع م» و به معنی چارپایان اهلی، یعنی: گاو، گوسفند، بز و شتر است ۱۳. انعام در اصل حیواناتی هستند که برای فرد نعمه هستند و نعمه چیزی که رفاه و برخورداری و فراخی زندگی را می‌آورد، ولی به دام‌ها - حیواناتی که انسان در کار و زندگی و اقتصاد خود از آنها استفاده می‌کند - و بیشتر به گاو، شتر، میش و بز اطلاق می‌شود ۱۴. برخی از لغت‌شناسان، انعام را به معنی چارپایان اهلی در نظر گرفته‌اند. ۱۵ بنابراین در این مقاله تمامی حیوانات اهلی اعم از شتر، گاو، گوسفند، اسب و الاغ مورد بررسی قرار گرفته‌اند.

انواع بهره‌برداری از انعام در آیات قرآن کریم

در قرآن کریم نام حدود ۳۹ حیوان با تعابیر متعدد - حدود ۶۳ تعبیر - به صورت اسم صریح یا کنایه آمده است که در برخی موارد در آیات مختلف از نام‌های مختلف یک حیوان زیاد شده است که از این حیوانات در ۵۲ سوره و بالغ بر ۱۵۴ آیه یاد شده است، چنانکه برخی سوره‌ها نیز به نام آنها، نام‌گذاری شده است ۱۶. بهره‌برداری از حیوانات اهلی در قرآن کریم را می‌توان به دو نوع بهره‌برداری مادی و بهره‌برداری معنوی تقسیم بندی نمود که هر کدام دارای زیر شاخه‌های متعددی می‌باشند:

الف: بهره برداری مادی

۱. پشم، پوست، کرک و موی حیوانات: خداوند متعال در سوره نحل می فرماید: «وَاللَّهُ جَعَلَ لَكُمْ مِنْ بُيُوتِكُمْ سَكَنًا وَجَعَلَ لَكُمْ مِنْ جُلُودِ الْأَنْعَامِ بُيُوتًا تَسْتَخِفُّونَهَا يَوْمَ ظَعْنِكُمْ وَيَوْمَ إِقَامَتِكُمْ وَمِنْ أَصْوَابِهَا وَأَوْبَارِهَا وَأَشْعَارِهَا أَثْنَاوًا وَمَتَاعًا إِلَى حِينٍ» (النحل، ۱۶/ ۸۰)؛ «و خدا برای شما از خانه هایتان محل سکونت [و آرامش] قرار داد و از پوست چارپایان نیز برای شما خانه هایی قرار داد که روز کوچ کردن و روز اقامتتان، به آسانی می توانید آنها را جا به جا کنید و از پشم و کرک و موی آنها، برای شما اثاث و متاع [و وسایل مختلف زندگی] تا زمان معینی قرار داد».

در این آیه منظور از صوف: پشم گوسفند، ویر: پشم شتر و شعر: پشم بز است. خداوند برای آرامش و سکونت انسان ها، از پوست دباغی شده حیوانات، خانه هایی قرار داده است که سبک و قابل سکونت اند؛ از این رو می توان برای نقل و انتقال ها در روزهای کوچ و سفر از آن استفاده نمود. از پشم های گوسفندان، شتران و بزها برای تهیه اثاث منزل چون: فرش، گلیم، ... و هم چنین لباس هایی که انسان را در مقابل گرما و سرما محافظت می کند، استفاده می شود. گاهی این وسایل تهیه شده از پشم و پوست حیوانات در کارهای تجاری، مورد بهره برداری قرار می گیرد. ۱۷

۲. شیر حیوانات: از دیگر منافع که خداوند برای انسان در حیوانات قرار داده است، شیری است گوارا، که در آیات قرآن این گونه به آن اشاره شده است: «وَإِنَّ لَكُمْ فِي الْأَنْعَامِ لَعِبْرَةً نُسْقِيكُمْ مِمَّا فِي بُطُونِهِ مِنْ بَيْنِ قَرْتٍ وَدَمٍ لَبَنًا خَالِصًا سَائِغًا لِلشَّارِبِينَ» (النحل، ۱۶/ ۶۶)؛ «و در وجود چارپایان، برای شما [درس های] عبرتی است: از درون شکم آنها، از میان غذاهای هضم شده و خون، شیر خالص و گوارا به شما می نوشانیم». «وَإِنَّ لَكُمْ فِي الْأَنْعَامِ لَعِبْرَةً نُسْقِيكُمْ مِمَّا فِي بُطُونِهَا وَلَكُمْ فِيهَا مَنَافِعُ كَثِيرَةٌ وَمِنْهَا تَأْكُلُونَ» (المؤمنون، ۲۳/ ۲۱)؛ «و برای شما در چارپایان عبرتی است از آنچه در درون آنهاست [از شیر] شما را سیراب می کنیم و برای شما در آنها منافع بسیاری است و از گوشت آنها می خورید».

شیر حیوانات شیرده که جایش در اواخر شکم، میان دو پاست و خون که مجرایش شرایین و رگ هاست که به تمامی آن دو احاطه دارد. شیر از چیزی که میان کثافات و خون

بدن قرار دارد. به طوری که هر سه در داخل بدن و در مجاورت هم قرار دارند. به طور پاک، لذیذ و گوارا بیرون می آید در حالی که به هیچ یک از آن دو آلوده نبوده و طعم و بوی هیچ یک از آن دورا با خود نیاورده است و شیرینی است گوارا برای نوشندگان و نرم و لطیف که به آسانی از گلو می گذرد^{۱۸}. این ماده مغذی و گوارا علاوه بر خاصیت غذایی، خاصیت دارویی نیز دارد که در کلام امیر المؤمنین (ع) به خوبی به آن اشاره شده است: «نوشیدن شیر، شفایی برای هر درد است به جز مرگ»^{۱۹}.

۳. گوشت حیوانات: گوشت از جمله موادی است که انسان‌ها در طعام روزانه خویش از آن استفاده می کنند که در صورت عدم استفاده، مضرات جبران ناپذیری برای بدن و سلامتی فردی ایجاد می شود. در علم پزشکی فوائد گوشت کاملاً به اثبات رسیده است، به طوری که خوردن گوشت به طور متوسط برای قوی و محکم ساختن قلب و نبض، بالا بردن فشار خون، تحرک سلول‌های کبدی، تأثیر بر کلیه، تحرک غدد ترشحی و دستگاه گوارش و منبع غنی تأمین پروتئین است، که بدن به واسطه پروتئین می تواند قند و چربی تولید کند؛ ولی عکس قضیه صادق نیست. حداکثر مدت فاصله برای مصرف گوشت، لا اقل چهل روز یک مرتبه است، زیرا اسید آمینه ای که در گوشت وجود دارد، مخصوص رشد و ترمیم است، لذا خوردن آن‌ها پس از چند روز لازم است.^{۲۰}

در سوره انعام بیان شده است که: «وَمَا لَكُمْ أَلَّا تَأْكُلُوا مِمَّا ذُكِرَ اسْمُ اللَّهِ عَلَيْهِ» (الانعام، ۶/۱۱۹)؛ «برای شما چه سودی دارد که از آن دامی که هنگام ذبحش نام خدا بر آن برده شده است، نمی خورید؟» این آیه مبنی بر توییح است که بر خلاف حکم خرد، از خوردن گوشت ذبیحه به نام پروردگار پرهیز می نماید^{۲۱}. خداوند متعال در سوره ذاریات نیز، اشاره به غذایی می کند که حضرت ابراهیم (ع) از گوشت گوساله برای میهمانان خود تهیه دیده بود: «فَرَاغَ إِلَىٰ أَهْلِهِ فَجَاءَ بِعِجْلٍ سَمِينٍ» (الذاریات، ۲۶/۵۱)؛ «سپس پنهانی به سوی خانواده خود رفت و گوساله فربه [و بریان شده‌های را برای آن‌ها] آورد».

۴. باربری و سواری: از دیگر فوائد غیر خوراکی حیوانات، استفاده از قدرت بدنی آن‌ها برای سواری و بارکشی است که در آیات ذیل بدان اشاره شده است: «وَالْخَيْلَ وَالْبِغَالَ وَالْحَمِيرَ لِتَرْكَبُوهَا وَزِينَةً وَيَخْلُقُ مَا لَا تَعْلَمُونَ» (النحل، ۸/۱۶)؛ «همچنین اسب‌ها و استرها و

الاعغها را آفرید تا بر آنها سوار شوید و زینت شما باشد، و چیزهایی می آفریند که نمی دانید». «اللَّهُ الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ الْأَنْعَامَ لِتَرْكَبُوا مِنْهَا وَمِنْهَا تَأْكُلُونَ» (غافر، ۷۹/۴۰)؛ «خداوند کسی است که چارپایان را برای شما آفرید تا بعضی را سوار شوید و از بعضی تغذیه کنید».

خداوند، اسبان، قاطرها و الاعغها را آفرید برای این که بر آنها سوار شده تا کارهای خود را انجام دهید و سختی و مشقت را از خود دور سازید^{۲۲}. در سوره انعام: «وَمِنَ الْأَنْعَامِ حَمُولَةٌ وَفَرَشًا كُلُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ» (الانعام، ۱۴۲/۶)؛ «[او کسی است که] از چارپایان، برای شما حیوانات باربر، و حیوانات کوچک [برای منافع دیگر] آفرید از آنچه به شما روزی داده است، بخورید». در این آیه از چارپایانی که برای باربری استفاده می شوند با نام حمولة تعبیر شده است، زیرا طاقت برداشتن حمل-بار-را دارند^{۲۳}. حتی امروزه که آن همه وسایل نقلیه سریع السیر هوایی و زمینی اختراع شده است، باز در برخی مواقع باید از چارپایان استفاده کرد؛ از این رو آنها را رام نموده و برای استفاده در مقاصد شخصی و غیر عمومی مانند استفاده های تفریحی، هجرت و سیاحت، مسابقه ها و گاه کسب ابهت و مانند آن، در اختیار انسان قرار داد^{۲۴}. اینجاست که احتیاج انسان به حیوان کاملاً روشن می شود، اگر چارپایان نبودند، زندگی بشر فلج می شد.^{۲۵}

۵. قربانی در حج: برخی مواقع از حیوانات برای ذبح کردن در مناسک حج و یا کفاره برای کشتن حیوانات در حال احرام، استفاده می شود. از جمله آنها بدن یا همان شتر چاق و درشتی است که هنگام حج، ذبح می شود.

«وَالْبُدْنَ جَعَلْنَاهَا لَكُمْ مِنَ شَعَائِرِ اللَّهِ لَكُمْ فِيهَا خَيْرٌ فَاذْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ عَلَيْهَا صَوَافَّ فَإِذَا وَجَبَتْ جُنُوبُهَا فَكُلُوا مِنْهَا وَأَطْعِمُوا الْقَنَاعَ وَالْمُعْتَرَّ كَذَلِكَ سَخَّرْنَاهَا لَكُمْ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ» (الحج، ۳۶/۲۲)؛ «و شترهای چاق و فربه را [در مراسم حج] برای شما از شعائر الهی قرار دادیم در آنها برای شما خیر و برکت است نام خدا را [هنگام قربانی کردن] در حالی که به صف ایستاده اند بر آنها بپرید و هنگامی که پهلوهایشان آرام گرفت [و جان دادند]، از گوشت آنها بخورید، و مستمندان قانع و فقیران را نیز از آن اطعام کنید! این گونه ما آنها را مسخرتان ساختیم، تا شکر خدا را بجا آورید». از گوشت این قربانی مذبوح به مستمندان و تهیدستان نیز داده می شود^{۲۶}. اگر شخص محرم، بدون قصد در حال احرام

حیوانی را بکشد، در این صورت موظف است حیوانی اهلی نظیر آنچه را کشته و یا معادل آن را ذبح کند مانند: شتر، گاو، گوسفند؛ «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقْتُلُوا الصَّيْدَ وَأَنْتُمْ حُرْمٌ وَمَنْ قَتَلَهُ مِنْكُمْ مُتَعَمِّدًا فَجَزَاءٌ مِثْلُ مَا قَتَلَ مِنَ النَّعْمِ» (المائدة، ۹۵/۵)؛ «ای کسانی که ایمان آورده اید! در حال احرام، شکار نکنید، و هر کس از شما عمداً آن را به قتل برساند، باید کفاره‌های معادل آن از چهارپایان بدهد».

۶. عامل زینت زندگی: در سوره نحل: «وَلَكُمْ فِيهَا جَمَالٌ حِينَ تُرِيحُونَ وَحِينَ تَسْرَحُونَ» (النحل، ۱۶/۶)؛ «و در آنها برای شما زینت و شکوه است به هنگامی که آنها را به استراحتگاه‌شان بازمی گردانید، و هنگامی که [صبح گاهان] به صحرا می فرستید». به زیور و زینت زندگی بودن حیوانات اشاره شده است. برای انسان‌ها در انعام دو منظره خوش و زیباست، یکی در هنگام بیرون بردن حیوانات به سمت صحرا در صبح و دیگری هنگام باز گرداندن‌شان به سمت منزل، هنگام عصر است. رفت و آمد حیوانات در بامدادان و شامگاهان، موجب می شود تا آستانه خانه‌ها، جلوه خاصی به خود بگیرد، آواز میش و بز و صدای پای چارپایان که به گوش می رسد باعث می شود تا دارندگان آن‌ها لذت ببرند و چون دیگر مردمان این منظره را می بینند در نظرشان جلوه می کند و باعث آبرو و حرمت و کسب موقعیت صاحبانشان می شود. ۲۷

۷. شخم زدن و آبیاری زمین: از دیگر بهره برداری‌هایی که انسان از حیوانات و انعام می تواند انجام دهد برای شخم زدن و آب کشی است، همان طور که وقتی خداوند در آیه ۷۱ سوره بقره به بنی اسرائیل دستور داد تا گاوی را برای افشای قتل، ذبح کنند فرمود: «إِنَّهَا بَقْرَةٌ لَا ذَلُولٌ تُثِيرُ الْأَرْضَ وَلَا تَسْقِي الْحَرْثَ؛ از آن گاوهایی نباشد که زمین را شخم می زند و کشت را آب می دهد».

این گونه خداوند مشقت و سختی زندگی و امرار معاش را بواسطه دادن نعمت بزرگی همچون انعام، بر انسان آسان نمود.

ب: بهره برداری معنوی:

۱. جلب رضایت خدا و تکبیر مقام او: خداوند متعال ذبح حیوانات در مناسک حج را با پرهیزکاری و اخلاص و پاکی نیت، موجب جلب رضایت الهی می داند به طوری که

باعث شناخت عظمت خدا و مایه هدایت انسان می شود. زیرا شخص محرم با این قربانی به یاد کبریایی خدا می افتد و او را در برابر این که هدایت به چنین عبادتی کرده که هم رضای او را به دنبال دارد و هم ثواب، تکبیر می گوید- یعنی: خدا را شکرگذاری می کند...^{۲۸}

۲. امکان و اثبات معاد: در آیه ۶۶ سوره نحل، اشاره به شیر گوارا در حیوانات، به وجود خداوند و امکان حشر و نشر موجودات دلالت دارد. زیرا گیاه و علفی را که حیوان می خورد از زمین و آب به وجود آمده است و این نشان از تدبیر خداوندی است که خاک را به گیاه و علف تبدیل می کند و هنگامی که حیوان آن علف را می خورد، در بدنش به خون تبدیل شده و آن خون به شیر تغییر شکل پیدا می کند. از شیر حاصل شده، روغن و پنیر تولید می شود. این موضوع دلالت می کند که خداوند متعال قادر است که مواد را از حالتی به حالت دیگر و از صفتی به صفت دیگر، تبدیل کند [تغییر شکل دهد]، پس به راحتی می تواند اجزاء بدن مردگان را به حیات و زندگی و شعور دوباره تبدیل کند، درست مانند حالت قبل^{۲۹}. این همان قدرت و اراده خداوندی است، زیرا آن کس که شیر را از سرگین و خون، پاک نگاه داشته، قادر است که انسان را دوباره زنده کند؛ هر چند که استخوانش هم پوسیده و اجزایش در زمین گم شده باشد^{۳۰}. و این وجه، دلالتی است بر بعثت و قیامت.

از دیگر نشانه هایی که بر امکان معاد دلالت دارد، داستان عزیر پیامبر است که در سوره بقره به آن اشاره شده است. در این داستان خدا به حضرت عزیر فرمود: «وَأَنْظِرْ إِلَىٰ حِمَارِكَ وَلِنَجْعَلَكَ آيَةً لِلنَّاسِ وَأَنْظِرْ إِلَىٰ الْعِظَامِ كَيْفَ نُنشِرُهَا ثُمَّ نَكْسُوها لَحْمًا» (البقره، ۲/۲۵۹)؛ «به الاغ خود بنگر که بعد از صد سال، استخوان هایش پوسیده و پیش رویت ریخته است».

که همین استخوان ها بهترین دلیل بود بر این که مدت خوابش طولانی بوده است، زیرا الاغ او مرده و استخوان شده بود و از حضرت اعتراف گرفت که صد سال مردن، با یک روز و یا چند ساعت مردن و سپس زنده شدن فرقی ندارد، همچنان که در روز قیامت از اهل محشر نظیر این اعتراف را می گیرد. این امر نشان می دهد که کم و زیاد بودن فاصله زمانی میان احیاء و اماتة، برای خدا تفاوت نمی کند و در قدرت او که حاکم بر همه چیز است اثری نمی گذارد؛ چون قدرت او مادی و زمانی نیست تا وضعیتش به خاطر عارض شدن عوارض، دگرگون و کم و زیاد شود. مثلاً زنده کردن مرده های دیروز برایش آسان و زنده کردن

مرده‌های سال‌ها پیش برایش دشوار باشد، بلکه در برابر قدرت او، دور و نزدیک، یکسان و مساوی است و این داستان از بزرگترین نشانه‌های معاد و رستاخیز است. ۳۱

۳. خداشناسی: خداوند متعال منکرین ربوبیت را در سوره غاشیة به دقت در کیفیت خلقت شتر دعوت می‌کند و می‌فرماید: «أَفَلَا يَنْظُرُونَ إِلَى الْإِبِلِ كَيْفَ خُلِقَتْ» (الغاشیة، ۱۷/۸۸)، این که چگونه خداوند آن را از زمینی مرده و فاقد حیات و بی‌شعور به این صورت عجیب در آورده است، صورتی که نه تنها خودش عجیب است بلکه اعضا، قوا و افعالش نیز عجیب است و این هیکل درشت را مسخر انسان‌ها کرده و انسان‌ها از سواری، بارکشی، گوشت، شیر، پوست و کرکش و حتی از بول و پشگلش استفاده می‌کنند. ۳۲. و چگونه این حیوان بار سنگین را تحمل کرده، تاب گرسنگی و تشنگی را دارد و به کمترین مقدار علوفه قناعت می‌ورزد. ۳۳. هر کسی می‌تواند با گرفتن مهار و افسارش او را مطیع خود سازد، او را بخواباند تا بارهای خود را بر پشتش نهد، آنگاه او را حرکت داده و به شهرهای دور ببرد. اگر شتر از آب ممنوع شود تا ده روز و بیشتر مقاومت می‌کند، زیرا خداوند آن‌ها را کشتی‌های خشکی قرار داده است. ۳۴. آیا هیچ انسان عاقلی به خود اجازه می‌دهد که احتمال معقول بدهد که شتر و این فوایدش به خودی خود پدید آمده باشد و در خلقت او برای انسان هیچ غرضی در کار نبوده و انسان هیچ مسئولیتی در برابر آن و سایر نعمت‌ها نداشته باشد؟ آری خلقت شتر بر وجود آفریدگاری حکیم دلالت می‌کند. ۳۵

۴. عامل آزمایش مردم و تصدیق نبوت پیامبران: ناقه، ماده شتری است که خدا آن را به عنوان معجزه حضرت صالح (ع) از درون کوه بیرون آورد: «هَذِهِ نَاقَةُ اللَّهِ لَكُمْ آيَةٌ» (الاعراف، ۷۳/۷)، از این جهت به آن «شتر خدا» گفته می‌شد که بدون واسطه آفریده شده بود و دلیلی بر توحید و نبوت قرار گرفت. ۳۶. دلیلی معجز و نشانه‌ای آشکار که گواه بر درستی رسالت پیامبر بود، از این رو ایمان به خدا را بر مردم واجب می‌کرد. ۳۷؛ زیرا قوم ثمود شاهد خروج شتر بودند در حالی که سایر اقوام آن را ندیدند. ۳۸. این گونه مردم بر این آیت بزرگ الهی آزمایش شده و هنگامی که در صدد پی کردن شتر برآمدند مستوجب عذاب الهی شدند.

۵. عامل آزمایش پیامبران: در سوره ص داستان دو نفر که صاحب صد میش بوده و برای قضاوت نزد داود نبی (ع) رفتند، بیان شده است: «إِنَّ هَذَا أَخِي لَهُ تِسْعٌ وَتِسْعُونَ نَعْمَةً»

وَلِي نَعْبَجُهُ وَاحِدَةً فَقَالَ أَكْمَلْنِيهَا وَعَزَّنِي فِي الْخِطَابِ» (ص، ۲۳/۳۸)، در این داستان، میش‌ها وسیله فتنه و آزمایش داود نبی (ع) شدند. در ابتدا داود نبی (ع) میانشان به قضاوت برخاست و حکمی را صادر نمود که با حکم الهی سازگار نبود، اما بعد از آگاه شدن از این موضوع که آن‌ها فرستاده شده از سوی خدا بودند تا او را در طریق قضاوت بیازمایند، به درگاه خداوند توبه نمود. نکته حائز اهمیت این است که خداوند برای آزمودن انسان‌ها از هر وسیله‌ای حتی از حیوانات نیز استفاده می‌نماید و نه تنها انسان‌های عادی بلکه پیامبران نیز در معرض امتحان الهی قرار می‌گیرند.

۶. استفاده در ضرب المثل‌های قرآنی: از جمله موارد استفاده از حیوانات در قرآن کریم، در ضرب المثل هاست. فلسفه و حکمت مثل‌ها از نگاه وحی عبارتند از:

۱. تذکر و یاد آوری، تفکر و اندیشیدن «وَتِلْكَ الْأَمْثَالُ لِنَاسٍ لِّعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ» (الحشر، ۲۱/۵۹)؛ «این‌ها مثال‌هایی است که برای مردم می‌زنیم، شاید در آن بیندیشید».
۲. زمینه‌سازی هدایت و ضلالت «فَيَقُولُونَ مَاذَا أَرَادَ اللَّهُ بِهَذَا مَثَلًا يُضِلُّ بِهِ كَثِيرًا وَيَهْدِي بِهِ كَثِيرًا» (البقرة، ۲۶/۲)؛ «می‌گویند: منظور خداوند از این مثل چه بوده است؟! [آری] خدا جمع زیادی را با آن گمراه، و گروه بسیاری را هدایت می‌کند». که منجر به آشکار ساختن ماهیت درونی و پنهانی بندگان خدا می‌شود. ۳۹

یکی از این مثال‌ها در سوره اعراف بیان شده است: «إِنَّ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَاسْتَكْبَرُوا عَنْهَا لَا تُفَتَّحُ لَهُمْ أَبْوَابُ السَّمَاءِ وَلَا يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ حَتَّى يَلِجَ الْجَمَلُ فِي سَمِّ الْخِيَاطِ» (الاعراف، ۴۰/۷)؛ «درهای آسمان بر روی کسانی که آیات ما را تکذیب کرده‌اند و از آن‌ها سر برتافته‌اند، گشوده نخواهد شد و به بهشت در نخواهند آمد تا آن‌گاه که شتر از سوراخ سوزن بگذرد». در این آیه ورود مکذبان مشروط به عبور شتر با آن حجم و عظمت و جثه، از سوراخ سوزن شده است و چون این مسأله امکان ندارد پس ورود مکذبان به بهشت نیز ممکن نیست.

از دیگر مثال‌ها می‌توان به آیه ۵ سوره جمعه اشاره کرد: «مَثَلُ الَّذِينَ حَمَلُوا التَّوْرَةَ ثُمَّ لَمْ يَحْمِلُوهَا كَمَثَلِ الْحِمَارِ يَحْمِلُ أَسْفَارًا»؛ مثل کسانی که تورات به آن‌ها داده شده و بدان عمل نمی‌کنند مثل آن خر است که کتاب‌هایی را حمل می‌کند». خداوند در این آیه،

یهودیان را که تورات بر آن‌ها نازل شد و معارف و شرایعش تعلیم داده شد ولی رهایش کردند را به الاغی تشبیه کرده که کتاب‌هایی بر آن بار شده ولی خود آن حیوان، هیچ آگاهی از معارف و حقایق آن کتاب‌ها ندارد و در نتیجه از حمل آن کتاب‌ها چیزی جز خستگی برایش نمی‌ماند^{۴۰}. از آنجایی که الاغ در حماقت و نادانی ضرب‌المثل و مشهور خاص و عام است، در این آیه مثال زده شده است. این گویا ترین مثالی است که می‌توان برای عالم بی‌عمل بیان کرد که سنگینی مسئولیت علم را بر دوش دارد، بی‌آن‌که از برکات آن بهره‌گیرد و افرادی که با الفاظ قرآن سروکار دارند ولی از محتوا و برنامه عملی آن بی‌خبرند نیز مشمول همین آیه‌اند. ۴۱

تشبیه ناخوش‌ترین صداها به صدای الاغ از دیگر ضرب‌المثل‌هاست که در سوره لقمان این‌گونه بیان شده است: «وَأَغْضُضْ مِنْ صَوْتِكَ إِنَّ أَنْكَرَ الْأَصْوَاتِ لَصَوْتُ الْحَمِيرِ» (لقمان، ۱۹/۳۱)؛ «از صدای خود بکاه [و هرگز فریاد مزین] که زشت‌ترین صداها صدای خران است». در این آیه افراد فرومایه و نادانی که به هنگام سخن گفتن، صدای خود را بلند می‌کنند که موجب نفرت مردم از شنیدن آن و نیز شاهد رذالت‌گوینده، در انظار شنوندگان خواهد بود^{۴۲}. در روایتی از امام صادق (ع) آمده است که: صدای کسانی که با صدای بلند عطسه می‌زنند و یا بدون نیازمندی، صدای خود را بلند می‌کنند نیز به صدای خران تشبیه شده است. ۴۳

۷. سوگندهای قرآنی: یکی از اسلوب‌های بلاغی که در قرآن به طور فراوان دیده می‌شود، اسلوب سوگند است. خداوند متعال با سوگند به موارد گوناگون، به عظمت و بزرگی مواردی که به آن قسم خورده شده، اشاره می‌نماید. یکی از این سوگندها، سوگند به حیوانات است که از جمله آن‌ها می‌توان به آیه ۱ و ۳ سوره عادیات اشاره کرد: «وَالْعَادِيَاتِ ضَبْحًا؛ سوگند به اسبان دونده [مجاهدان] در حالی که نفس زنان به پیش می‌رفتند». «فَالْمُورِيَاتِ قَدْحًا؛ و سوگند به هجوم آوران سپیده دم». در این آیات به اسبانی که در راه خدا برای جنگ می‌دوند و مجاهدین را یاری می‌کنند و صبح و شب به طور ناگهانی بر دشمن شبیخون می‌زنند، سوگند یاد شده، به طوری که این موضوع حاکی از اهمیت این مخلوقات نزد خداوند است.

۸. تشبیهات قرآنی: در دو آیه از قرآن کریم، کفار و پیروان هوی و هوس به چارپایان تشبیه شده‌اند. اگر انسان از استعداد و امکانات خود به جای حسن استفاده، سوء استفاده کند و یا آن‌ها را به تعطیلی و بطالت بکشد، مبدل به همان حیوان بی فهم و شعوری خواهد شد که از درک حقایق عاجز است و یا حتی از درجه حیوانیت نیز تنزل پیدا کرده و بدتر از آن می‌شود. ۴۴

آیه اول: «أَمْ تَحْسَبُ أَنَّ أَكْثَرَهُمْ يَسْمَعُونَ أَوْ يَعْقِلُونَ إِنْ هُمْ إِلَّا كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ سَبِيلًا» (الفرقان، ۲۵/۴۴)؛ پیروان هوای نفس، در این آیه گمراه‌تر از چارپایان معرفی شده‌اند، زیرا اگر چارپایان مطلبی را می‌شنوند و معنی را درک نکرده و تعقل نمی‌کنند چون تمکن بر معرفت ندارند، اما این افراد با وجود قدرت درک و فهم، تعقل نمی‌کنند و به ضرر خویش اقدام می‌نمایند در حالی که چارپایان هرگز به ضرر خود اقدام نمی‌کنند. ۴۵

آیه دوم: «وَالَّذِينَ كَفَرُوا يَتَمَتَّعُونَ وَيَأْكُلُونَ كَمَا تَأْكُلُ الْأَنْعَامُ وَالنَّارُ مَثْوًى لَهُمْ» (محمد، ۴۷/۱۲)؛ کفار از لحاظ این که عنایتی برای رسیدن به حق ندارند و در دل‌هایشان هیچ اعتنایی به وظایف انسانیت نداشته، بلکه تمام هم‌شان شکم و شهوت‌شان است، سرگرم لذت‌گیری از دنیای کوتاه مدت‌اند، از عبرت‌ها رویگردان شده، فقط برای سیر شدن می‌خورند و غیر از این آرزو و هدفی ندارند، به چارپایان تشبیه شده‌اند. ۴۶

۹. توصیف احوال قیامت: یکی از هولناک‌ترین مراحل زندگی انسان، ورود به عرصه قیامت و حسابرسی اعمال است. زیرا در آن زمان هر فردی به تنهایی باید پاسخگوی اعمال و رفتاری باشد که در دنیا مرتکب شده و در واقع زمان برداشت محصولات دنیوی است. خداوند در آیاتی به توصیف این برهه از زمان پرداخته و می‌فرماید: «إِنَّهَا تَرْمِي بِشَرَرٍ كَالْقَصْرِ* كَأَنَّهُ جِمَالَةٌ صُفْرٌ» (المرسلات، ۷۷/۳۳ و ۳۲)؛ «شراره‌هایی از خود پرتاب می‌کند مانند یک کاخ! گویی [در سرعت و کثرت] همچون شتران زردرنگی هستند [که به هر سو پراکنده می‌شوند]». شراره‌های آتش جهنم به اندازه و مانند ریشه و تنه درختان بزرگ است و رنگ آن به مانند شتران زردرنگ می‌ماند که به سیاهی می‌زند. گویا آن ریسمان و طناب سیاه است، برای این که سیاهی آن از زردی است. در روایتی آمده است که سیاه‌تر از شتر نمی‌بینی مگر اینکه آن مایل به زرد باشد و به همین علت، عرب شترهای سیاه را صفراء نامیده است. ۴۷

این رو خداوند شراره‌های آتش را از نظر کثرت، رنگ، سرعت حرکت و پراکنده شدن به هر سو، به گروهی از شتران زرد رنگ تشبیه کرده که به هر سو روانند. ۴۸

از دیگر اتفاقاتی که در شرف قیامت روی می‌دهد این است که انسان، تمامی اموال و حتی بستگان و خانواده خویش را از هول آن روز رها می‌کند که یکی از این اموال، ماده شترحامله ای است که ده ماه از حملش گذشته باشد که در اصطلاح به او عشار گویند. «وَإِذَا الْعِشَارُ عُطِّلَتْ» (التکویر، ۴/۸۱)؛ «و در آن هنگام که با ارزش ترین اموال به دست فراموشی سپرده شود». این شتر که از نفیس ترین اموال عرب به شمار می‌رود، در عرصه قیامت به حال خود رها شده و هیچ چوپان و دشتبانی که آن را حفظ کند بر او گماشته نمی‌شود؛ گویا این جمله کنایه‌ای است بر این مطلب که همین اموال نفیسی که مردم در دنیا بر سر آن پنجه به روی هم می‌کشند، آن روز بی‌صاحب می‌ماند و کسی نیست که از آن‌ها استفاده کند. این بدان سبب است که مردم در آن روز، آنقدر به خود مشغولند که از هیچ چیز دیگری یاد نمی‌کنند. ۴۹

بهره‌برداری از انعام در سوره یس

در آیاتی از سوره یس به تمامی منافع انعام از جمله: گوشت، شیر، پوست، قدرت بدنی برای سواری، مو و زینت زندگی بودن، اشاره شده و می‌فرماید: «وَدَلَّلْنَاهَا لَهُمْ فَمِنْهَا رَكُوبُهُمْ وَمِنْهَا يَأْكُلُونَ» (یس، ۷۲/۳۶)؛ «و آن‌ها را رام ایشان ساختیم، هم مرکب آنان از آن است و هم از آن تغذیه می‌کنند». «وَلَهُمْ فِيهَا مَنَافِعُ وَمَشَارِبُ أَفَلَا يَشْكُرُونَ» (یس، ۷۳/۳۶)؛ «و برای آنان بهره‌های دیگری در آن [حیوانات] است و نوشیدنی‌هایی گوارا آیا با این حال شکرگزاری نمی‌کنند؟».

در این آیات، اشاره به فوایدی شده است که نصیب انسان می‌شود مانند: پشم آن‌ها برای انواع لباس‌ها، فرش‌ها، خیمه‌ها و پوست آن‌ها برای لباس و کفش و کلاه و وسایل مختلف زندگی. حتی امروز که صنایع، چهره زندگی انسان را به کلی دگرگون ساخته، باز نیاز مبرم انسان‌ها، هم از نظر تغذیه و هم از نظر لباس و سایر وسایل زندگی به چارپایان به قوت خود باقی است. امروزه انواع سرم‌ها و واکسن‌ها را که برای مبارزه با بیماری‌ها یا

پیشگیری، مؤثرترین وسیله‌اند، با استفاده از چارپایان و موادی که از خون آن‌ها می‌گیرند، تهیه می‌شود. حتی بی‌ارزش‌ترین امور در زندگی چارپایان که مدفوعات آن‌هاست نیز مورد استفاده قرار می‌گیرد. زمین‌ها را به وسیله آن آباد و درختان را پر بار می‌سازند. برخی، انعام را مرکب سواری خویش قرار می‌دهند، مانند: اسب، الاغ، قاطر و بعضی را کشتنی قرار داد تا از گوشتش بهره‌مند شده و آن را بخورند. شیرهایی که از چارپایان مختلف گرفته می‌شود و قسمت مهمی از مواد غذایی انسان از آن و فرآورده‌های آن، تأمین می‌گردد. به طوری که صنایع شیر سازی و فرآورده‌های شیری دنیا، امروز قسمت مهمی از صادرات و واردات کشورها را تشکیل می‌دهد، همان شیری که یک غذای کامل برای انسان است و از میان فرث و دم، این شیر گوارا خارج می‌گردد که برای نوشندگان، مایه لذت و برای ناتوان‌ها مایه قدرت است. این خداوند بزرگ است که با قدرت خویش، چارپایان را آفریده و مالکیتش را به انسان بخشیده است که نهایت لطف پروردگار را بیان می‌کند^{۵۰}.
 غرض خداوند در آیات بعدی سوره از اشاره به خلقت حیوانات و منافع آن‌ها، دعوت به یکتا پرستی کافران معرفی شده است، در واقع خدا می‌خواهد با ذکر منافع مادی اینز حیوانات، از منافع معنویشان بهره‌برداری کرده و زمینه هدایت کافران - کسانی که منکر ربوبیت الهی و روز رستاخیز می‌باشند - را فراهم آورد.

نتیجه :

از نظر اسلام، حیوانات همچون انسان از حق زندگی برخوردارند لذا خداوند، اصل خلقت آن‌ها را بر مبنای تأمین اهداف انسانی قرار داد؛ سپس آن‌ها را مسخر انسان نمود و حق استفاده از منفعی را که در حیوانات وجود داشت را به او واگذار کرد. به همین سبب انسان می‌تواند از طریق استفاده از این منافع مادی در زندگی روزمره و امرار معاش از طریق آن‌ها، از منافع معنوی آن نیز بهره‌مند شده و ایمان خود به خالق هستی و قدرت بیکرانیش در پیدایش موجودات، معاد و روز رستاخیز را افزایش دهد و در صدد سپاسگزاری برآید. از آنجایی که سوره یس قلب قرآن نامیده شده و در آن مهم‌ترین و حیاتی‌ترین مسائل اسلام که شامل اصول اعتقادات - توحید، نبوت، معاد - و خالقیت است، بیان شده در

حالی که همگی ناظر به عظمت و قدرت بی کران الهی هستند، لذا مطالب مطرح شده در این رابطه نیز به طور جامع و مانع در کنار هم و بدون پراکندگی آمده است؛ از طرفی حیوانات نیز از بزرگترین نشانه‌های عظمت الهی اند به همین سبب منافع چارپایان را که خداوند به طور پراکنده در سوره و آیات متعدد بیان نموده، به طور کامل و یکجا در این سوره مطرح کرده تا منکران کور دل با مشاهده قدرت لایزال الهی، دست از انکار بازداشته و با مشاهده نعمات فراوانی که در اطرافشان، نشان از خالق بی همتا را می‌دهد، به راه حق پیوسته و به خدای یگانه ایمان بیاورند.

-
۱. حیوانات، قوانین حمایتی و حدود بهره‌وری در اسلام «نظر توکلی»/۷۱.
 ۲. الجامع لأحكام القرآن، ۱/۲۵۲.
 ۳. حیوانات، قوانین حمایتی و حدود بهره‌وری در اسلام/ ۷۲ و ۷۳.
 ۴. همان.
 ۵. زبدة البيان في أحكام القرآن/۷۲ و ۷۳.
 ۶. حیوانات، قوانین حمایتی و حدود بهره‌وری در اسلام/۷۶.
 ۷. شرح الأزهار «المرتضى»، ۳/۲۵۶.
 ۸. حیوانات، قوانین حمایتی و حدود بهره‌وری در اسلام/ ۷۷.
 ۹. سنن أبوداود، ۲/۳۳۲ ح/۲۵۶۹.
 ۱۰. وسائل الشیعة، ۱۷/۱۷.
 ۱۱. حیوانات، قوانین حمایتی و حدود بهره‌وری در اسلام/ ۷۷.
 ۱۲. همان/۷۸.
 ۱۳. تاج العروس، ۸۰۹؛ لسان العرب، ۱۴/۲۱۲؛ دائرة المعارف بزرگ اسلامی «لسان فشرکی»، ۱۰/۳۹۳.
 ۱۴. مجمع البحرين، ۶/۱۷۸.
 ۱۵. مقایس اللغة، ۵/۴۴۶.
 ۱۶. حیوانات در قرآن کریم «کریمی نیا»/۶۹.
 ۱۷. ترجمه المیزان، ۱۲/۴۵۶؛ تفسیر القرآن الکریم «بشر»، ۱/۲۷؛ ترجمه جوامع الجامع، ۲/ ۳۰۱؛ ترجمه مجمع البیان، ۱۴/۲۷؛ مفاتیح الغیب، ۲۰/۲۵۳؛ الکشاف، ۲/۶۲۵.
 ۱۸. ترجمه المیزان، ۱۲/۳۰۱؛ ترجمه مجمع البیان، ۱۴/ ۷؛ ترجمه جوامع الجامع، ۳/۳۹۸.
 ۱۹. دانش نامه احادیث پزشکی «ترجمه صابری»، ۲/ ۳۹۹ ح/۱۸۶۶.
 ۲۰. اولین دانشگاه آخرین پیامبر، ج ۸.
 ۲۱. ترجمه المیزان، ۶/۱۳۶.
 ۲۲. همان، ۱۲/۳۱۱؛ ترجمه مجمع البیان، ۱۳/ ۲۳۲؛ ترجمه جوامع الجامع، ۳/۳۶۷؛ الکشاف، ۲/ ۵۹۵؛ مفاتیح الغیب، ۱۹/۱۷۸.
 ۲۳. ترجمه المیزان، ۷/۵۰۱.
 ۲۴. تفسیر نمونه، ۲۰/۱۸۸.
 ۲۵. تفسیر نور، ۱۰/۳۰۰.
 ۲۶. ترجمه المیزان، ۱۴/۵۲۹؛ ترجمه مجمع البیان، ۱۶/

- ۲۱۶؛ ترجمه جوامع الجامع، ۲۱۰/۴.
۲۷. ترجمه المیزان، ۳۱۰/۱۲؛ ترجمه جوامع الجامع، ۳/۳۵۶.
۲۸. همان، ۵۳۱/۱۴؛ همان، ۲۱۱/۴.
۲۹. مفاتیح الغیب، ۲۳۱/۲۰.
۳۰. ترجمه المیزان، ۴۱۸/۱۲.
۳۱. همان، ۵۵۸/۲؛ ترجمه جوامع الجامع، ۳۴۰/۱.
۳۲. ترجمه المیزان، ۴۵۹/۲۰.
۳۳. تفسیر القرآن الکریم «بشر»، ۵۵۶/۱.
۳۴. ترجمه جوامع الجامع، ۶۲۳/۶.
۳۵. ترجمه المیزان، ۴۵۹/۲۰.
۳۶. ترجمه مجمع البیان، ۱۵۷/۹.
۳۷. ترجمه جوامع الجامع، ۳۱۴/۲.
۳۸. مفاتیح الغیب، ۳۰۶/۱۴.
۳۹. فرهنگ امثال القرآن و معادل های آن در زبان فارسی
- «رضوی»/۲۳.
۴۰. ترجمه المیزان، ۴۴۹/۱۹.
۴۱. تفسیر نمونه، ۱۱۵/۲۴؛ فرهنگ امثال القرآن و معادل های آن در زبان فارسی/۶۸.
۴۲. ترجمه المیزان، ۴۷۷/۱۲.
۴۳. ترجمه مجمع البیان، ۱۸۵/۱۹.
۴۴. فرهنگ امثال القرآن و معادل های آن در زبان فارسی/۶۴.
۴۵. تفسیر نمونه، ۱۰۹/۱۵.
۴۶. ترجمه المیزان، ۳۵۰/۱۸؛ ترجمه مجمع البیان، ۲۳/۵۷.
۴۷. ترجمه مجمع البیان، ۲۱۵/۲۶.
۴۸. تفسیر نمونه، ۴۱۹/۲۵.
۴۹. ترجمه المیزان، ۳۴۹/۲۰؛ الکشاف، ۷۰۷/۴.
۵۰. تفسیر نمونه، ۴۴۸/۱۸.